



ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

## امین الله حسین

### از دکتر خسرو وارسته

مسقط الرأس خانواده حسین سرزمین خراسان است . امین الله در بادی امر بر حسب میل خانواده خود به تحصیل در رشته پزشکی پرداخت . ولی طولی نکشید که از این کار چشم پوشیده خود را وقف علم و هنر موسیقی کرد . وی تحصیلاتش را در کشور آلمان شروع و در فرانسه که قریب ۳۰ سال است اقامت دارد تکمیل نمود . مدت ۱۵ سال است که این هنرمند ایرانی با دادن کنسرت های مجلل در شهر های بزرگ اروپا مثل پاریس ، لندن ، برن ، آمستردام ، رم و غیره شهرت بین المللی پیدا نموده و اسباب افتخار ایران و ایرانیان

گرددیده است . ولی مرکز فعالیت وی پاریس است . در این شهر مشهورترین ارکسترها (مثل «پادلو» ، «کولون» ، «لامورو» و غیره ) آثار و قطعات او را اجرا کرده اند . انتقاد کننده هنری روزنامه «فیگارو» بتاريخ ۲۲ مارس ۱۹۳۸ درباره این هنرمند ایرانی مینویسد : « آقای حسین صاحب استعدادی هنریست که کمتر کسی امروزه دارد . باید انصاف داد که این موسیقی دان و آهنگ ساز ایرانی یکی از هنرمندان بزرگ و مبتکر عهد ما است ... » موسیقی وی از نظر سبک نگارش و شیوه شاعرانه با شکل مختلفه در میآید . هنگامیکه کسی با هنر او آشنا شود ملاحظه میکند که این هنر بدیع حاکی از مهارت يك هنرمند درجه اولیست که توانسته است با کمک زیباترین رنگها پا کترین احساسات را شرح دهد . در تمام قطعات حسین اثر شور باطنی وی پیدا است ، ولی این ذوق شاعرانه گاهی بصورت يك دلنگی پرهیجان و گاهی بشکل حساسیت عمیق و رقیقی هویدا میشود .

آثار حسین متنوع و شامل چندین سنفونی ، کنسرتو برای پیانو و ارکستر ، قطعه برای پیانو ، باله ، آواز و غیره میباشد . ما در زیر نام مهمترین این آثار را ( با عناوین آنها بزبان فرانسه ) ذکر میکنیم :

#### ۱- سنفونی ها :

- سنفونی شن ها ( Symphonie des Sables ) .
- خرابه های تخت جمشید ( Ruines de Persépolis ) .
- ایرانیا ( Irania ) بافتخار میهن عزیز ما ایران و نیاکان ما .

#### ۲- « باله » ها :

- پرواز بطرف نور ( Vers la lumière )
- چشمه اشک ( Fontaine des larmes )
- مینیا توره های ایرانی ( Miniatures Persanes )
- قصه ایرانی ( Conte Persan )

#### ۳- کنسرتوها برای پیانو و ارکستر :

سه قطعه باین نام با نمرات ۱ و ۲ و ۳ .

#### ۴- قطعات برای پیانو :

- سازو آواز تاتاری ( Sérénade Tartare )
- دورنمای تابستان ( Paysage d ' été )
- شب طوفانی ( Nuit d ' orage )
- باران پاییزی ( Pluie d 'automne )

- مسخرگان ( Les Bouffons )  
 پروانه فروش ( Marchand de papillons )  
 افسانه ايراني ( Légende Persane )  
 ستايش عمرخيام ( Hommage à O.Khayyam )  
 جوشش روان ( Aspiration )  
 رقص چركسي ( Danse Circassienne )  
**۵ - آوازها :**  
 زرمه ( Zaréma )  
 گل و بلبل ( La rose et le rossignol )  
 اووه ( Evohé )  
 دخترک گل فروش ( Marchande de fleurs )  
 آواز شتربان ( Le chant du chamelier )  
 اي ساربان ( Caravane )

بيمورد نيست در اينجا بطور نمونه بشرح و تفسير مختصر چند قطعه  
 براي بيانو پيردازيم : افسانه ايراني ، ستايش عمرخيام ، جوشش روان ،  
 رقص چركسي .

در افسانه ايراني امين الله شنونده را بياد يكي از آن قصه هاي شيرين  
 و شگفت آوري مياوود كه ما در ايام كودكي از دهان مادر بزرگان خود  
 شنيده ايم . شيوه ساختمان اين قطعه مطابقت با روش نقاشان امپرسیونیست  
 ( كه مقصود اصليشان شرح احساساتشان بوده است ) ، يعني نقشهاي غير-  
 مترقي بنظر ما مجسم ميشود كه تماماً احاطه شده است از رنگهاي موج  
 و نقطه هاي نوراني . سادگي لحن اين قطعه اولين حسن آنست . اما گاهي  
 آهنگ آن پرهيجان شده و بنظر شنونده يكقسم تخيلات رومانتيك را  
 مجسم ميكند .

قطعه دوم يعني ستايش عمرخيام مانند يك ربا عيست كه در آن دلشكستگي  
 گوينده كم كم رو با افزايش نهاده و بالاخره شنونده را بهيجان درمياورد .  
 فكر شاعر و فيلسوف عالي مقام نيشابور ( مي خوردن و شاد بودن آئين  
 منست ... ) در اينجا گاهي با لحن شديد و گاهي بالعكس با آهنگي شيرين  
 و لطيف بزبان موسيقي نقل شده . سر دلفريبي اين قطعه ساختمان و تعبيه  
 ماهرانه جمل و بكار نبردن رنگهاي « تيره » و « آكادميك » است .  
 قطعه سوم يعني جوشش روان شامل يك نوسان منظم آريتهائيبست

( René Dumesnil ) بتاريخ ۲۲-۱-۱۹۴۶ مینویسد : «موسیقی حسین سرتاسر تجسم روح ایرانیست بوسیله فن جدید موسیقی اروپائی» در مجله هفتگی اپرا ( Opéra ) بتاريخ ۳۰-۱-۱۹۴۶ : «ارکستر کولون دوباره چند قطعه از آثار آقای حسین را نواخت . این قطعات باندازه ای دلربا و جذاب است که از شنیدن آنها انسان خیال میکند در تحت تأثیر جادو واقع شده است.» در «مجله موسیقی فرانسه» ( Revue Musicale de France ) شماره مارس ۱۹۴۶ : «حسین یکی از مشکلترین کارها را انجام داده است و آن تجسم روح ایرانیست بوسائل جدید فنی . . . ارکستر کولون اول پروانه فروش را نواخت . این قطعه مانند بادبزی که از عاج و ابریشم ساخته شده پر است از لطافت و الوان زیبا . مقصود آهنگ ساز تجسم پروانه فروشی است که در کوچه و بازار گردش کرده و پروانه های لطیف خود را بعابرین میفروشد و نالان و مویه کنان درد های دل خود را میخواند . سنفونی شن ها ما را بیاد بیابان پر عظمت و منظره تأثر آور و هولناک آن انداخت . در این بیابان پس از طوفان شدید دوباره آرامش برقرار میگردد . آرامش ، خاموشی ، تنهایی ، تصور لایتناهی و ابدیت . . . بالاخره رقص چرکسی بعقیده ما شاهکاری پر از لطافت و شعر است .»

در سال ۱۹۴۷ کنسرت باشکوهی در تالار «گاوو» تشکیل گردید و ارکستر کولون برای اولین دفعه خرابه های تخت جمشید یکی از شاهکارهای حسین را نواخت . اینک چند قطعه از مقاله ایراکه در این خصوص در «مجله موسیقی فرانسه» ( شماره ژوئن ۱۹۴۷ ) منتشر شده است نقل میکنیم : «اگر قطعاتی را که ما در این کنسرت شنیدیم مبناء قضاوت خود قرار دهیم باید تصدیق کنیم که آقای حسین در ساختن موسیقی تجسمی ید طولانی دارد . اما نباید خیال کرد که در این موسیقی عوامل بصری عوامل سمعی را از بین میبرد . این از اشتباهات بزرگ است زیرا هر کدام از این قطعات پر است از تأثرات روحی سازنده . آقای حسین کاملاً ملتفت این نکته عمیق شده است که کار اصلی و مهم يك آهنگ ساز تهییج شنونده است بوسیله تشریح تأثرات روحی خود . مثلاً سنفونی خرابه های تخت جمشید کاملاً مطابق نیات تجسمی آقای حسین ساخته شده است . . . در این قطعه سنفونیک آهنگ ساز موفق شده است که منظره شگفت آور شهر قدیمی ایرانی را بنظر ما مجسم کند . در تابلوی اول موقعیکه سازها با صدای بم يك جمله رسائیرا میسرایند که بلافاصله بعد چنگ با صدای موزون و سولوی ویولون آنرا تکرار میکند منظره

شهر در مقابل چشم ما ظاهر میشود . در تابلوی بعد آهنگها شدید شده و در جمله آخر عظمت و شوکت قدیمی شهر ایرانی را بیاد میآورد ... « رنه دومنیل بنوبه خود در روزنامه لوموند بتاريخ ۲۷ مه ۱۹۴۷ مینویسد : « من سال گذشته در این روزنامه از آقای حسین و لیاقت او صحبت کرده ام . این آهنگ ساز ذوق و شوق باطنیش را در روح ایرانی جستجو میکند ، اما هیچوقت در بکار بردن فولکلور این کشور زیاده روی نمیکند . استفاده از فولکلور هر کشوری در دسترس همه کس است اما کاریکه مشکل بنظر میرسد ( و بالنتیجه بندرت انجام میگردد ) تشریح روحیات يك کشور است بزبان موسیقی . آقای حسین اینکار را با موفقیت تمام انجام داده است . قطعات سنفونیک وی بنظر یکنفر موسیقی دان خیلی اهمیت دارد ، زیرا نه تنها توازن رنگها و تناسب آهنگها در آنها رعایت شده است بلکه الحان موسیقی طوری ترتیب و تنظیم یافته که موضوع هر سنفونی کاملاً بنظر شنونده مجسم میشود ... »

در سال ۱۹۴۹ انجمن هنری شهر آنژ ( Angers ) از حسین تقاضا نمود که در کنسر مهمی که در این شهر تشکیل میشود مشارکت نماید . در این جلسه هنری از کستر لامورو چند قطعه از آثار آهنگ ساز ایرانی را نواخت و در این خصوص روزنامه « کوریه دولوئست » که در شهر آنژ منتشر میشود بتاريخ ۷-۱۱-۱۹۴۹ مینویسد : « کنسرتو آقای حسین از نظر شکوه و دلربائی لحن بسیار شباهت به کنسرتو راخمانینوف دارد . ولی بعقیده ما با وجود این شباهت قطعه آهنگ ساز ایرانی خیلی مرتبه بالاتری از قطعه آهنگ ساز روسی دارد از نظر افکار یکه در آن شرح داده شده و همچنین از نظر طرز بناء متعادل و طرحهای متوازن آن و مهارتی که سازنده در تشریح افکار بخرج داده و خصوصاً رعایت میزان که حاکی از میانه روی و بی پیرایگی سازنده است . آقای حسین میدانند چه هنگامی باید توقف نمود یعنی موقعیکه شیواترین رازهای دل خود را بگوش شنونده خوانده است . راخمانینوف بالعکس ابرام زیادی در شرح احساسات خود دارد و باندازه ای بطول و تفصیل میردازد که زیباترین راز گوئیهای خود را فراموش میکند . شنونده خیال میکند در يك جنگل افریقا گم شده است ! ولی هنگام شنیدن قطعه آقای حسین صحبت گم شدن نیست . از کستر و پیانو بفرزانگی و ذکاوت و با خوش سلیقگی تمام گاهی هر يك بتنهائی و گاهی با هم گفتگو میکنند و از گوش دادن این مکالمه شنونده محظوظ میشود . »

در سال ۱۹۵۱ در تالار گاوو کنسر مجلی در تحت نظارت انجمن روابط دوستانه فرانسه و ایران و با مشارکت از کسترلامورو تشکیل گردید و در این خصوص انتقاد کننده هنری « مجله هفتگی پاریس » بتاريخ ۱۳ ژوئن ۱۹۵۱ در این مجله مینویسد : « این جشن باشکوه باعث شد که ما با يك هنرمند ایرانی ( شخصی بینهایت با محبت و جذاب ) و با هنر زیبای وی آشنائی پیدا کنیم. سنفونیه‌های آقای حسین مناظر دلربا و متهیج مشرق زمین را بنظر ما مجسم میکند. آهنگ‌ساز ایرانی مهارت زیادی در هنر « تجسمی » و تنظیم و ترتیب الحان موزون دارد. وقتیکه موسیقی ویرا گوش میدهیم مثل اینست که ما را با خود باقالیم اسرار و شعر میکشاند. شنوندگان بیشماریکه در تالار جمع شده بودند « مجذوب » آهنگهای شیوای آقای حسین شدند ... »

این کنسرها نمونه‌ایست از فعالیت هنرمند ایرانی و ما همانطوریکه قبلاً گفتیم ( و آقای رنه دومنیل هم در مقاله خودش صریحاً ذکر کرده است ) لازم میدانیم در اینجا تأیید نمائیم که موفقیت هنری این سفیر روحانی ایران در اروپا خصوصاً بواسطه آنست که تپش‌ها و جوشهای روح پر عظمت ایرانی ، یعنی اشتعال و شور آن ، امیدها و آرزوهای آن ، شکنجه‌ها و غم‌های آن ، خط‌ها و جذبه‌های آنرا بزبان پرهیجان و تأثر آور موسیقی شرح داده است .

ما امیدواریم امین‌الله حسین سرمشقی برای هنرمندان ایرانی شود . یکی از آرزوهای ما اینست که بین جوانان ایرانی آنکسانیکه علاقه و عشق بموسیقی دارند تا اندازه‌ایکه ممکنست با انتشار این هنر زیبا و عالیقدر کمک نموده و در روح ملت ایران حس میهن پرستی و شهامت و درستی و راستی را تقویت کنند. موسیقی زبانیست که روانهای پاک بدان تکلم میکنند. این زبان شریف از يك زبان عمومی هم مقامش بالاتر است ، زیرا بدون احتیاج بکلمات روح يك ملت را بنحو احسن شرح میدهد .